

رساله مفرحة الأنام
في تأسيس بيت الله الحرام

زين العابدين بن نورالدين علي حسيني كاشاني

(شهادت ۱۰۴۰ هـ.ق.)

به ضميمه

گزارشی از مدینه و بقیع

در سال ۱۲۵۵

از: سيد اسماعيل مرندی

به کوشش: رسول جعفریان

مقدمه

میرزا زین العابدین کاشانی از علمای قرن یازدهم هجری و از شاگردان ملا محمد امین استرآبادی بنیادگذار تفکر نوین اخباری و صاحب فوائد المدنیه است. وی از عالمان مقیم مکه بوده و در همین شهر نیز به دست سنیان متعصب به شهادت رسیده است. شهادت وی دلایل خاصی داشته؛ همانطوری که در مقاله ما، در شماره ۴ مجله میقات صص ۱۱۶ - ۱۱۹ آمده: درباره روز عرفه میان شیعه و سنی اختلاف نظر پیش آمده و به دلیل عدم تبعیت شیعیان از سنیان، افراطیون سنی دست به شهادت زائران شیعی می زده اند. میرزا زین العابدین، به تصریح عبدالحی رضوی، به همین دلیل به شهادت رسیده است.^۱ صاحب ریاض شرح حال کوتاهی از وی آورده و با یاد از شهادت او، دلیل

آن را ذکر نکرده است.^۲ از وی اجازه‌ای باقی مانده که برای یکی از شاگردانش به نام عبدالرزاق مازندرانی نوشته و متن آن را مرحوم مجلسی - ره - در بحارالانوار^۳ آورده است.

آنچه در اینجا آمده رساله کوتاه اما با ارزشی است که او طی یک ماجرای جالب درباره بنای کعبه و برخی اماکن مکه مکرمه نگاشته است. به نوشته مؤلف در ظهر روز چهارشنبه ۱۹ ماه شعبان ۱۰۳۹ سیل عظیمی درمکه آمده و آب زیادی به داخل مسجد وارد شده است؛ به دنبال آن تعداد زیادی از مردم - که به نوشته او حدود ۴۴۲ نفر می شدند - در آن سیل از بین رفتند که یک معلم با سی دانش آموز او که در مسجد مشغول درس بودند جزو آنان بود. مؤلف در روز پنجشنبه بیستم ماه شعبان وارد مسجد شده که هیچ طواف کننده‌ای در آن نبوده است او خود در داخل آب طواف کرده و نماز طواف را - اجباراً - بالای منبر خوانده است.

مؤلف ادامه این گزارش را درباره تخریب کعبه و بنای مجدد آن، به دقت هر چه تمامتر آورده و به دنبال آن، پیرامون برخی اماکن مکه مکرمه نیز سخن گفته است. رساله حاضر نشانگر افتخار بزرگی برای شیعه در بنای ساختمان کعبه مکرمه می باشد. افتخاری که مؤلف را وادار کرده تا این رساله را نگاشته و مؤمنان را خشنود سازد. نام رساله از همین احساس، برخاسته است.

نسخه‌ای از این رساله، به شماره ۸۶، در کتابخانه دانشکده ادبیات دانشگاه تهران (که فعلاً به کتابخانه مرکزی منتقل شده) تحت عنوان «تاریخ کعبه» موجود است. گزارش عربی آن نیز در کتابخانه مجلس شورای اسلامی موجود می باشد که درج ۱۲، ص ۷۰ شناسانده شده است.

به نوشته آقابزرگ فتح الله بن مسیح الله، کتابی با عنوان ابنة الکعبه نوشته که ترجمه عربی رساله مذکور را در آن درج کرده است همینطور در جنة النعیم ص ۲۹۳ نیز بخشی از آن نقل شده است.^۴

بخش عمده رساله مذکور را صاحب «فوائد الفوائد فی احوال المدارس و المساجد» در کتاب خود (صص ۱۱۵ - ۱۰۱ و ۱۴۳ - ۱۳۹) درج کرده است.

علاوه بر آن، سید اسماعیل بن نجف حسینی مرنندی بخش عمده متن گزارش زین العابدین را بدون آن که از وی نامی به میان آورد، به علاوه یک نقشه و چند نکته کوچک نوشته است. او خود گزارشی نیز از مدینه در سال ۱۲۵۵ نگاشته و مجموعه اینها را در نسخه‌ای - که رساله‌های دیگری نیز از وی در آن آمده - گردآوری کرده است.^۵ ما ابتدا رساله مفرحة الأنام و سپس گزارش مرنندی را از

بقیع می آوریم؛ باید این نکته را یادآور شد که گزارش فارسی آن، با آنچه مرندی و صاحب فرائد الفوائد آورده اند تفاوت‌هایی دارد که گویی دو تحریر است.^۶ به علاوه متن فارسی و عربی آن تفاوت‌هایی با یکدیگر داشته و مطالبی از آن در یکی هست و در دیگری نیست.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ وَ بِهِ انْطَقَ وَ اسْتَعِينِ

الحمد لله رب العالمين و الصلوة و السلام على خير خلقه محمد و آله اجمعين

بعد حمد خدا و درود بر نبی و آل او. بر اهل عرفان ظاهر است که ادخال سرور به مؤمنین، حق جلّ و علا را مسرور ساختن است؛ چنانچه ثقة الإسلام محمد بن یعقوب کلینی در باب ادخال سرور به مؤمن از معصومین - صلوات الله علیهم اجمعین - روایت کرده؛ و فقیر این رساله را به ذکر بعضی از آن روایات شریفه متبرک می سازد:

حدثني الشيخ المحقق محمد امين الأسترابادي^۷ - رحمه الله - بإسناده الصحيح و طرفه المضبوطة في مظانها عن محمد بن يعقوب الكليني عن عدة من أصحابنا عن سهل بن زياد و محمد بن يحيى، عن احمد بن محمد بن عيسى، جميعاً عن الحسن بن محبوب، عن أبي حمزة الثمالي قال: سمعت أبا جعفر - عليه السلام - يقول: قال رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آله وَ سَلَّمَ: «مَنْ سَرَّ مُؤْمِنًا فَقَدْ سَرَّنِي وَ مَنْ سَرَّنِي فَقَدْ سَرَّ اللَّهَ».^۸

و عن عبيد الله بن الوليد الوصافي، قال: سمعت أبا جعفر - عليه السلام - يقول: «إِنَّ فِيما نَجَى اللهُ بِهِ عَبْدَهُ مُوسَى - عَلَيْهِ السَّلَام - قَالَ: إِنَّ لِي عِبَادًا يُبِحُّهُمْ جَنَّتِي وَ أَحْكَمُهُمْ فِيهَا؛ قَالَ: يَا رَبِّ وَ مِنْ هؤُلاءِ الَّذِينَ تُبِحُّهُمْ وَ تَحْكَمُهُمْ فِيهَا؟ قَالَ: مَنْ أَدْخَلَ عَلَيَّ مُؤْمِنًا سُرورًا، ثُمَّ قَالَ: إِنَّ مُؤْمِنًا كَانَ فِي مَمْلَكَةِ جَبَّارٍ فَوَلَعَ بِهِ فَهَرَبَ مِنْهُ إِلَى دَارِ الشَّرْكِ، فَنَزَلَ بِرَجُلٍ مِنْ أَهْلِ الشَّرْكِ فَأَظْلَمَ وَأَرْفَقَهُ وَ أَضَافَهُ، فَلَمَّا حَضَرَ الْمَوْتَ، أَوْحَى اللهُ - عَزَّ وَ جَلَّ - إِلَيْهِ: وَ عَزَّتِي وَ جَلَالِي لَوْ كَانَ فِي جَنَّتِي مَسْكَنٌ لِأَسْكَنْتَكَ فِيهَا، وَ لَكُنْهَا مَحْرَمَةً عَلَيَّ مِنْ مَاتَ بِي مَشْرَكًا، وَ لَكِنْ يَا نَارَهِ يَهْ، وَ لِأَتُؤَذِيهِ وَ يُؤْتِي بَرْزَقَهُ طَرْفِي النَّهَارِ، قُلْتَ: مِنْ الْجَنَّةِ؟ قَالَ: مَنْ حَيْثُ أَشَاءَ اللهُ».^۹

و عن محمد بن يحيى، عن محمد بن احمد، عن السيارى، عن محمد بن جمهور قال: كان النجاشى و هو رجلٌ من الدهاقين عاملاً على الأهواز و فارس، فقال بعض أهل عمله لأبى عبد الله - عليه السلام -: «إِنَّ فِي دِيوانِ النجاشى عَلَيَّ خَراجاً و هو مؤمن يدين بطاعتك، فإن

رأيت أن تكتب لى اليه كتاباً، قال: فكتب اليه ابو عبدالله - عليه السلام - : بسم الله الرحمن الرحيم، سرّ أخاك يترّك الله» قال: فلما ورد الكتاب عليه، دخل عليه و هو فى مجلسه، فلما خلا ناوله الكتاب قال: هذا كتاب أبى عبدالله - عليه السلام - فقبله و وضعه على عينيه و قال له: ماجتک؟ قال: خراج علىّ فى ديوانك، فقال له: و كم هو؟ قال: عشرة آلاف درهم، فدعا كاتبه و أمره بأدائها عنه، ثم أخرجها منها و أمر ان يشتها له لقابل، ثم قال له: سر ربك؟ فقال: نعم جعلت فداك ثم امر له بمركب و جارية و غلام و أمر له بتخت ثياب فى كلّ ذلك يقول له: هل سررتك؟ فيقول نعم جعلت فداك؛ فكلّما قال نعم، زاده حتى فرغ، ثم قال له: احمل فرش هذا البيت الذى كنت جالساً فيه حين دفعت إلىّ كتاب مولاى الذى ناولتنى فيه و ارفع الىّ حوائجك قال: ففعل و خرج الرّجل فصار إلى أبى عبدالله - عليه السلام - فحدثه الرجل بالحديث على جهته فجعل يسرّ بما فعل، فقال الرّجل: يا ابن رسول الله، كأنه قد سرّك ما فعل بى؟ قال: إى والله لقد سرّ الله و رسوله»^۱.

* * *

و اظهار معجزه معصومين - صلوات الله و سلامه [عليهم] اجمعين نیز از سعادت عظمی است. بنابراین، آن معجزی که از ایشان در سنه هزار و چهل به ظهور آمده در اساس بیت الله الحرام، از برای ادخال سرور مؤمنین در این رساله ذکر کرده می آید و این رساله مشتمل است بر سه فصل و خاتمه:

فصل اول: در سبب افتادن کعبه معظمه - زیدت مهابتها - و بنای آن. فصل دوم در سبب ساخته شدن خانه کعبه و ابتدای طواف به آن و صفت کعبه شریفه در طول و عرض و ارتفاع آن از خارج و داخل و سقف و ستون و عرض دیوار و در کعبه و نردبان داخل و خارج و حجر اسماعیل - ع - و ناودان رحمت و حجر الأسود و حطیم و مستجار و جامه بیرون و اندرون و شاذروان و مطاف و مقام و منبر، و فصل سوم در صفت مسجد الحرام و درهای آن و اسامی درها و ستونها و قبه‌هایی که در صحن مسجداند و سطح رواق مسجد و صفا و مروه. و خاتمه در ذکر امکنه شریفه که در مکه معظمه‌اند؛ مثل مولد شریف سید کاینات - صلّى الله علیه و آله - و مولد سیده نساء عالمین بتول عذراء فاطمه زهرا - صلوات الله علیها - و سنگی که نشان مرفق رسول الله - صلّى الله علیه و آله - دارد و معلی و شبیکه؛ و مسمی شد به «مفرحة الأنام فى تأسيس بيت الله الحرام». امید که هر مؤمنی که در این رساله نظر کند فقیر حقیر را به دعا یاد کند و فقیر در اول وقتى که شروع در عمل کعبه کردم مؤمنان اولین و آخرین را تا

قیام قیامت با خود شریک ساختم - لله تعالی - پس کعبه شریفه را فی الحقیقه همه مؤمنین اساس گذاشته‌اند و لله الحمد.

* فصل اول:

در سبب افتادن کعبه معظمه - زیدت مهابتها - و بنای آن. و آن چنانست که روز چهارشنبه نوزدهم شعبان سنه هزار و سی و نه [۱۰۳۹ ه. ق] سیل عظیمی داخل مسجدالحرام شد و آب به اندرون کعبه شریفه درآمد، به قدر و قامت فقیر و یک شبر و دو انگشت مضمومه - و فقیر مربع القامه است - چنانکه از زمین مسجدالحرام قریب نه ذراع مرتفع شد؛ و کان عرشه علی الماء؛^{۱۱} و سبب ذکر طول فقیر آن است که وقتی آب فرو نشست به اندرون کعبه رفتم و چیزی همراه نداشتم، به طول خود علامت آب را پیمودم. و خرابی بسیار در مکه معظمه واقع شد و چهارصد و چهل و دو کس در سیل هلاک شدند؛ از آن جمله معلّمی مع سی طفل در مسجدالحرام بوده و سیل از ابواب مسجد داخل می‌شده، نتوانسته‌اند که بیرون آیند و کسی نیز نتوانست به ایشان رسید و آب از سر ایشان گذشت (نعوذ بالله من شرور انفسنا).

و در روز پنجشنبه بیستم ماه مذکور تمام یک عرض کعبه شریفه که میزاب رحمت در اوست، و از طولی که روی کعبه شریفه است از رکن شامی تا در کعبه شریفه، و از طولی که پشت کعبه شریفه است تخمیناً قریب نصف دیوار افتاد و قبل از آن که کعبه شریفه بیفتد و آب سیل کم شده بود، فقیر، در میان آب، طواف خانه می‌کرد؛ چون طواف تمام شد، جایی نیافت که نماز طواف در او بکند، چرا که در هر یک از مقام ابراهیم و حجر و مطاف آب تا کمر مانده بود؛ به بالای منبر رفته رکعتین نماز گزارد و چون از منبر به زیر آمد کعبه شریفه افتاد. و به خاطر فقیر رسید که این اشاره‌ای است از معجزات معصومین - صلوات الله و سلامه علیهم أجمعین - چرا که فقیر از طایفه اهل ایمان بود و همچنانکه ابتدای آن اساس شریف از سید عابدین و زاهدین علی بن الحسین زین العابدین - علیهما السلام - شده بود. انتهای قیام آن دیوار نیز به حضور غلام آن حضرت، زین العابدین بن نورالدین الحسینی الکاشانی شد و چون این ضعیف در کتاب حج کلینی در باب ورود تبع حدیث اساس گذاشتن علی بن الحسین - علیهما السلام - را دیده بود با خود می‌گفت که ما امروز فرقه محقه را دل به این خوش بود که اساس کعبه شریفه را بعد از حضرت ابراهیم، حضرت رسول ثقلین و سید کونین محمد

مصطفی - صلی الله علیه و آله و سلم - گذاشته و بعد از ایشان حضرت امام زین العابدین - صلوات الله علیه -؛ الحال که^{۱۲} این منصب عظیم را مخالفان به دست آوردند، شیعه را در این باب افتخاری نخواهد ماند و بسیار جهد کرد که به مال اهل ایمان ساخته شود و با شریف مکه قرار کرد که ظاهراً به اسم پادشاه روم و باطناً به طریقی که خدا از آن راضی باشد بسازد و قصد فقیر آن بود که به مال برادر عزیز فی الله سلطان العارفين صدرالدین علی مشهور به مسیح الزمان - سلمه الله تعالی و ابقاه و رزقه حج بیت الله الحرام فی هذه السنه ایضاً بحمد و آله الطاهرين صلوات الله و سلام [علیهم] أجمعین - ساخته شود. و شریف این معنی را قبول کرد اما مردم او را ترسانیدند^{۱۳} و اهمال کرد و این ضعیف، شب و روز به قادر حق تعالی - جلّ جلاله - می نالید که سببی سازد که اهل ایمان [را] ازین سعادت بهره باشد. آخر الأمر به امر ملک علام چنان شد که دوستان خواهند و سبب جرأت فقیر این بود که درویشی نزد فقیر آمد و گفت که امشب خواب دیدم که تابوت حضرت امام حسین - ع - را در پیش کعبه شریفه گذاشتند و حضرت رسول الله - صلی الله علیه و آله - مع جمیع انبیاء و اولیاء - صلوات الله علیهم - بر آن نماز کردند و حضرت رسول الله - صلی الله علیه و آله - به شما فرمود که این تابوت را بردار و در اندرون کعبه دفن کن. چون فقیر این خواب را شنید با خود «چنین تعبیر کرد»^{۱۴} که امام را به خاک سپردن منصب امامتست و منصب به خاک سپردن امام حسین - علیه السلام - از امام زین العابدین - علیه السلام - است. پس این اشاره است که منصب علی بن الحسین - علیهما السلام - در کعبه که اساس گذاشتن است به تو فرموده اند؛ بنابراین دل این فقیر قوی شد.

و حکایت اساس شریف چنانست که روز سه شنبه سیوم جمادی الثانی سنه ۱۰۴۰ شروع در فرود آوردن بقیه خانه مبارک شد. این ضعیف با فعله، بکار کردن مشغول شد - والله يعلم المفسد من المصلح^{۱۵} - و جمیع فعله به امر الهی به آن دو شخصی که از جانب سلطان روم، یکی را وکیل و یکی مباشر کرده فرستاده بودند، مرید و معتقد فقیر شدند؛ چنانکه هر چه می گفت در باب خانه مبارک می شنیدند تا آنکه چهار طرف خانه را فرود آوردند الا رکن شریف حجر؛ چنانچه یک سنگ بالای حجر شریف و یک سنگ زیرین آن را گذاشتند که تا وقتی بتأ به آنجا برسد حجر مبارک را بردارد و فقیر به مباشر گفت که رکن شریف حجر را حفظ باید کرد تا فعله پای برو نهند؛ قبول کرد و الواح خشب طلبید؛ به امر الهی به پنج لوح به عدد آل عبا - صلوات الله علیهم - رکن شریف محفوظ شد. و این ضعیف به یکی از مؤمنان گفت که گویا

حضرات آل عبا، منع برداشتن حجر مبارک خواهند کرد. آخر چنان شد؛ چرا که وقتی که فقیر به توفیق الله تعالی و امداد معصومین - صلوات الله علیهم - اساس بیت الله الحرام را گذاشت، بسیار بر مخالفین گران آمد؛ به جهت آنکه در وقت اساس گذاشتن به امر الهی، کسی از ایشان حاضر نشد گویا که حق تعالی ایشان را «فی سلسله ذرعها سبعون ذراعاً»^{۱۶} قید کرده بود الاً مباشر و چند کس از بنّیین؛ چنانکه شیخ الحرم در خفیه (ظ) اشاره به آن جماعت کرده بوده که اساس کعبه را فقیه رافضیان گذاشت و به گوش این ضعیف رسید و روزی که بنا به رکن حجرالاسود رسید و خواستند حجر شریف را از جای خود بردارند این فقیر تقیّه کرده حاضر نشد و اکتفا به اساس گذاشتن و سه ذراع از ارتفاع تمام عرض که ناودان رحمت در اوست کرده بود چرا که از حدیث اساس گذاشتن علی بن الحسین زین العابدین - علیهما السلام - نفس اساس گذاشتن فهمیده می شود و در این فصل ذکر خواهد شد - ان شاء الله -

الحاصل که حضرات معصومین - صلوات الله علیهم - حجر شریف را حفظ کردند و نگذاشتند که مخالفین آن را از جای خود بردارند.

نعم وقتی که سنگ بالای حجر را خواستند که بردارند؛ آن سنگ رو، زیر حجر مبارک کرده اند کی از حجر به ظلم و تعدی ایشان شکست و بدان چسباندند.

و قصه اساس شریف چنانست که شب یکشنبه بیست و دوم همین ماه قرار شد که وقت صبح اساس کعبه شریفه گذاشته خواهد شد و این ضعیف آن شب به حق^{۱۷} سبحانه و تعالی تضرع و زاری می نمود. وقت سحر برخاست، غسل دخول کعبه کرد و از اعجاز معصومین - صلوات الله علیهم - هیچکس از اهل مناصب حاضر نشد الاً مباشر و چند کس از بنّیین و فعله؛ و چون مباشر این فقیر را دید گفت: یا سید زین العابدین اقرأ الفاتحة! فقیر دست بر آورد و فاتحه خواند و بعد از فاتحه دعا که از ائمه معصومین - صلوات الله علیهم - مرویست که مسمی به دعای «سریع الإجابة» است خواند و دعای به سلطان کرد و حضرت مهدی - علیه السلام - را به خاطر گذراند و سنگ مبارک رکن غربی را گرفته و محمد حسین ابرقوی که از صالحانست و شیعه است، طاس اولین آهک را به فقیر رسانیده و در زاویه رکن غربی ریخته شد و این ضعیف آن آهک را بدست خود پهن کرد و در خاطر گذارند که دولت محمد و آل محمد - صلوات الله علیهم - قائم باد؛ بسم الله الرحمن الرحیم گفت و آن سنگ مبارک را در زاویه رکن مبارک غربی و در اساس شریف ابراهیمی گذاشت «هذا عطاؤنا فامنن او أمسك بغير

حساب»^{۱۸}.

و روز نهم رجب همین سال به رکن حجرالأسود رسیدند و سنگ بالای [سنگ] حجرالأسود را برداشتند و هر چند که خواستند حجر شریف را از جای خود بردارند نتوانستند و چنان در نظرشان درمی آمد، که گویا ازدهایی ست متوجه ایشان شده. و این ضعیف، آن روز به دعای سیفی خواندن ملهم شده بود برخاست و شکر الله سبحانه و تعالی بجا آورد: «از عهده شکرش که برآید!» که اساس کعبه شریفه، به توفیق الله تعالی، مؤمنی گذاشت؛ و روز بیست و دوم همین ماه رجب، در مبارک خانه کعبه را آویختند؛ و سیزدهم شعبان، بعد از رجب مذکور اعمده سقف بیت الله الحرام، داخل خانه مبارک ساختیم؛ و روز پانزدهم همین ماه شعبان، این ضعیف داخل کعبه شریفه شد و چهار سنگ در باطن دیوار کعبه شریفه گذاشت: یکی در نفس زاویه حجرالأسود و یکی در مقامی که امیرالمؤمنین و امام المتقین علی بن ابی طالب - علیه السلام - متولد شده؛ و یکی قریب به زاویه رکن یمانی و روز هجدهم شعبان مذکور الواح بین اعمده که عبارت از تمام سقف اندرون است به بالای کعبه شریفه برده شده و با اعمده ترکیب یافت؛ و فقیر، آن روز از جمله کارکنان بود؛ و در روز بیست و نهم همین شعبان، ناودان رحمت را بکار نشانند؛ و روز دوم ماه مبارک همین سال، شروع در فرش کعبه شریفه شد به سنگ مرمر؛ و نهم همین ماه، شروع در عمل سنگ مرمر باطن دیوار و فرش اندرون کعبه شریفه شد؛ و روز چهارشنبه، بیست و هفتم شهر رمضان مذکور، عمل اندرون کعبه شریفه تمام شد؛ و جمعه آخر این ماه، خلق داخل خانه مبارک شدند و تاریخ اساس شریف را اقتباس از قرآن عظیم کرد: «رفع الله القواعد البیت»^{۱۹}.

بر اهل علم پوشیده نماند که سلطنت حرمین در دست مخالفین بوده و افراد زیادی از صاحب منصبان در مکه حاضر بودند و خدای سبحان آنان را «فی سلسله ذرعها سبعون ذراعاً» قید کرده بود بطوری که وکیل سلطان نیز حاضر نشد. و این که تأسیس، موافق با تأسیس عرض شامی به دست علی بن الحسین - علیه السلام - بود که با منجنیق خراب شده بود، با سه دیوار دیگر بر همان حالت اول قرار داشت؛ و اینکه اسم این بنده ذلیل با نام شریف علی بن الحسین زین العابدین - علیهما السلام - موافق افتاد و با منتهای ضعف و کمی تدبیر در میان جمع مخالفین به تأسیس توفیق یافت. و شک نیست که این معجزه ای از معجزات ائمه معصومین - علیهم السلام - است برای دخال سرور بر قلوب محبتین آنها تا خوشحال شده این خبر را در

تواریخ و تصانیف برای آیندگان ثبت کنند و یقین کنند که ائمه معصومین - علیهم السلام - در هر حال، از احوال آنان غافل نیستند «و قل اعملوا فیسیری اللّٰه عملکم و رسوله و المؤمنون»^{۲۰}.

در اینجا به حدیث شریف تأسیس بیت به دست علی بن الحسین - علیه السلام - که ثقة الاسلام کلینی در «کتاب الحج» کافی آن را نقل کرده، از این فضل الهی استقبال می‌کنیم:^{۲۱}

عن عدّة من أصحابنا، عن أحمد بن محمد، عن ابن أبي عمير، عن أبي علي صاحب الأنماط، عن أبان بن تغلب قال: لما هدم الحجاج الكعبة فرّق الناس ترايبها، فلما صاروا الى بنائها فأرادوا ان يبنوها، خرجت - عليهم حيّة - فمنعت الناس البناء حتى هربوا؛ فأتوا الحجاج فأخبروه فخاف أن يكون قد منع بناءها، فصعد المنبر، ثمّ نشد الناس و قال: أنشد اللّٰه عبداً عنده مما ابتلينا به علم لما أخبرنا به، قال: فقام اليه شيخ فقال: إن يكن عند أحد علم فعند رجل رأيتُه جاء الى الكعبة فأخذ مقدارها ثمّ مضى؛ فقال الحجاج: من هو؟ قال: عليّ بن الحسين - عليهما السلام -؛ فقال: معدن ذلك؛ فبعث الى عليّ بن الحسين - صلوات الله عليهما - فاتاه فأخبره ما كان من منع اللّٰه إتياء البناء، فقال له عليّ بن الحسين - عليهما السلام - يا حجاج عمدت الى بناء إبراهيم و إسماعيل، فالقيته في الطريق و انتهت كأنك ترى أنه تراث لك، اصعد المنبر و أنشد الناس ان لا يبقى أحد منهم أخذ منه شيئاً إلّا ردّه، قال: ففعل فأنشد الناس ان لا يبقى أحد عنده شئ إلّا ردّه؛ قال: فردّوه فلما رأى جمع التراب أتى عليّ بن الحسين - صلوات الله عليهما - فوضع الأساس و أمرهم ان يحفروا، قال: فتغيّبت عنهم الحيّة و حضروا حتى انتهوا الى موضع القواعد، قال لهم عليّ بن الحسين - عليهما السلام -:: تنحّوا فتتحّوا، فدنا منها فغطّأها بثوبه، ثمّ بكى حتى غطّأها بالتراب بيد نفسه، ثمّ دعا الفعلة، فقال: ضعوا بناءكم، فوضعوا البناء فلما ارتفعت حيطانها امر بالتراب فقلّب فألقى في جوفه فلذلك صار البيت مرتفعاً يصعد اليه بالدرج»^{۲۲}.

❖ فصل دوم:

در سبب ساخته شدن خانه کعبه در زمین و ابتدای آن از خارج و داخل و سقف و ستون و عرض و دیوار و نردبان و حطیم و متجار و جامه بیرون و اندرون و شاذروان و مطاف و مقام و منبر.

و اول این فصل را مزین سازیم به احادیثی که ثقة الاسلام محمد بن یعقوب کلینی در اوّل کتاب حج در باب «بدؤ البيت و الطواف» روایت کرده، بعد از ذکر سند همچین: عن أبي عبد الله عن أبيه - عليهما السلام - : «فإنّ اللّٰه تبارك و تعالی قال للملائكة «انی جاعل فی الأرض

خلیفة»^{۲۳}، فردت الملائكة على الله - عزّ وجلّ - فقالت: «اتجعل فيها من يفسد فيها و يفسك الدماء»؛ فاعرض عنها، فرأت أنّ ذلك من سخطه فلاذت بعرشه، فأمر الله ملكاً من الملائكة ان يجعل له بيتاً في السماء السادسة يسمى الصّراخ بازاء عرشه فصيره لأهل السماء يطوف به سبعون الف ملك في كلّ يوم لا يعودون ويستغفرون؛ فلَمَّا أن هبط آدم الى السماء الدنيا، امره بمرمة هذا البيت و هو بازاء ذلك، فصيره لآدم و ذريته كما صيّر ذلك لأهل السماء»^{۲۴}.

و عن أبي خديجه^{۲۵} قال: إن الله - عزّ وجلّ - أنزل الحجر لآدم - عليه السلام - من الجنة و كان البيت درة بيضاء فرفعه الله - عزّ وجلّ - إلى السماء و بقى أسه و هو بحيال هذا البيت يدخله كلّ يوم سبعون الف ملك لا يرجعون اليه ابداً فأمر الله - عزّ وجلّ - إبراهيم و إسماعيل - عليهما السلام - ببنيان البيت على القواعد^{۲۶}.

و عن أبي عبدالله - عليه السلام - قال: «إن الله - عزّ وجلّ - دحى الأرض من تحت الكعبة إلى منى، ثمّ دحاها من منى الى عرفات، ثمّ دحاها من عرفات الى منى، فالأرض من عرفات و عرفات من منى، و منى من الكعبة»^{۲۷}.

و عن أبي عبدالله - عليه السلام - قال: «إن الله تبارك و تعالى جعل حول الكعبة عشرين و مائة رحمة؛ منها ستون للطائفين و اربعون للمصلين و عشرون للناظرين»^{۲۸}.
و در فصل كعبة شريف، احاديث بسيار مذکور است هر كسى خواهد به كتاب حج كلينى رجوع كند؛ ادام الله منفعته للمؤمنين بمحمد و آله الطاهرين.

* * *

بدان ای برادر كه كعبه شريفه زاداها الله [شرفاً] و مهابة و تكريماً - دو ديوارش درازتر از دو ديوار است؛ پس دو طول و دو عرض دارد. اما طول اول از ركن شريف حجرالاسود است تا ركن شامى، و آن بيست و پنج ذراع است و در مبارك كعبه شريفه، در اين طول است و اين طول روى كعبه است. و طول دوّم، از ركن يمانى است تا ركن غربى و اين نيز بيست و پنج ذراع است و آن پشت كعبه است و در مسدود كعبه در اوست. و اما عرض اول، از ركن شامى است تا ركن غربى و ناودان رحمت در اوست و آن بيست ذرع است و عرض دويم از ركن يمانى است تا ركن حجرالاسود و ركن عراقيش مى نامند و آن بيست و يك ذراع و نيم شبر است. و اما ارتفاع خانه مبارك سى ذراع است. و اما سقف بيست و هفت ذراع است بر سه عمود مسين و سرهاى اعمده بر هر دو ديوار طول گذاشته شده و مجموع آن سقف بر سه ستون

عظیم است از چوب که در یک صف در مابین دو عرض برپا کرده‌اند و سه ذراع دیگر غلظ سقف است الا دو ثلث ذراع که خارج سقف است به جهت بستن جامه کعبه؛ مراد از غلظ سقف؛ یعنی فی الحقیقه دو سقف است یکی بالای یکی، و میانش خالی است. و در عقب الا دو ثلث دیواری که خارج است چوبهای دراز تعبیه کرده‌اند با حلقه‌ها و جامه کعبه بر آن می‌بندند. [و سقف دیگر در اندرون کعبه شریف است به جهت بستن جامه اندرون]

و اما طول داخل کعبه از طرف روی کعبه، هفده ذراع است و از طرف پشت کعبه هجده ذراع است. و اما عرض داخل از طرف حجر اسماعیل پانزده ذراع است و از طرف رکن یمانی شانزده [چهارده] ذراع است. و ارتفاع کعبه از اندرون، بیست و دو ذراع تا سقف اول که به جهت بستن جامه اندرون است و دو ذراع دیگر تا سقف دویم. و اما غلظ دیوار کعبه شریف چهار شبر و چهار اصبع مضمومه است، و در میان چهار دیوار طرف کعبه شریف پنج موضع الواح مسین گذاشته‌اند [هر لوح بقدر یک قامت تخمیناً] و سنگ دیوار کعبه از طرف بیرون تراشیده‌اند. اما در مبارکه کعبه؛ طولش هفت ذراع و نصف است و عرضش چهار ذراع الا چهار انگشت. و از زمین تا آستان [عتبه] باب، چهار ذراع و نیم است و رویش را نقره مطلقاً پوشیده‌اند و چهار حلقه نقره دارد دو حلقه مستدیر مشبکه در بالا و دو حلقه دیگر مثل سایر حلقه‌ها به غلظ انگشت و در میان چهار حلقه سه زره نقره است و قفل مطلای میانه نه بزرگ و نه کوچک بر آن سه زره است. و الواح دوره در مبارک را به نقره پوشیده‌اند و در این الواح از چپ و راست حلقه‌های مسین به جهت بستن جامه کعبه فرو برده‌اند و عتبه سفلی از سنگ متعارف است و نردبان بیرون کعبه شریف از چوب است شبیه منبر؛ عریض بر چهار دایره [چرخ کوچک] به شکل آسیا که به هر طرف که خواهند می‌برند و طولش به قدر ارتفاع در است و عرضش بقدر عرض در. و نردبان داخل کعبه قریب به رکن شامی و مستور است به دیوار مرمر و دو در دارد؛ یکی در اندرون کعبه شریف و یکی به سطح کعبه شریف گشوده می‌شود و این نردبان چون نردبان مناره است. [و نردبان مستدیر است به طریق نردبان مناره، و عدد پله آن بیست [و] نه است].

و اما حجر اسماعیل - ع - مکانی است در مقابل عرض شامی؛ و بعضی از شافعی می‌گویند که پاره‌ای است از کعبه و چون در زمان کفار قریش، کعبه را سیل خراب کرده بوده و خواسته‌اند که بسازند، و مال حلال آن قدر نداشته‌اند که کعبه را چنانکه حضرت ابراهیم -

علیه‌السلام - ساخته بود بسازند، بنابر آن کعبه را از چهار طرف کوچک کرده‌اند و آنچه در بیرون مانده است از عرض شامی بسیار است، بعضی آن را شاذروان و مابقی را حجر اسماعیل می‌گویند و از طرف دیگر هرچه در بیرون است آن را شاذروان می‌نامند و این صحیح است چرا که آنچه از احادیث شریفه معلوم می‌شود، از طرف حجر، هیچ در بیرون نیست چرا که صاحب من لایحضره الفقیه ذکر کرده: از امام - ع - پرسیدند که از طرف حجر، هیچ از کعبه در بیرون نیست؟ حضرت فرمودند: ولا قلامه ظفر^{۲۹} انتهی؛ بلکه حجر اسماعیل - ع - موضعی است که قبر هاجر که مادر اسماعیل است و قبر شُبر و شبیر که دو پسر هارون بن عمران‌اند در اوست و دیوارش شبیه به نصف دایره است تخمیناً. و طول آن از دیوار عرض کعبه تا دیوار خودش که در مقابل اوست شانزده ذراع و نیم است و عرضش بیست ذراع است و ارتفاع دیوارش دو ذرع و نیم است و عرض آن مثل ذلك. و دو راه دارد که هر یکی داخل حجر می‌شود؛ و عرض هر یک دو ذراع و نیم است و فرش دیوارش از سنگ مرمر سفید و سیاه و سرخ و سبز به نقشه‌های عجیب ترکیب کرده‌اند. و در میان حجر موضعی که تحت میزاب است سنگ سبزی [جامه سبزی فرش است] شبیه به محراب؛ و یمین و یسارش را تا هر دو رکن شامی و غربی محرابهای متوازی از سنگ رخام^{۳۰} فرش کرده‌اند.

اما ناودان رحمت یک قطعه چوبست و به نقره مطلا پوشیده‌اند [یک قطعه طلاست]؛ طولش چهار ذراع و نیم است و عرضش دو ثلث ذراع ارتفاعش مثل آن. [بعضی گویند ناودان چوب است و به نقره مطلا پوشانیده‌اند].

و اما حجرالأسود طولش که در اندرون دیوار است دو ثلث ذراع است به ذراع عمل بنائین و [در عرض، سه جا] بند نقره دارد به جهت خدشه که در او بهم رسیده بود و یک بند نقره دیگر در دور طولش [که در اندرون است] گردانیده‌اند. و آنچه در بیرون است که مردم او را می‌بوسند طولش نیم شبر و عرض یک شبر است و آنچه در خارج می‌نمایند دورش را نیز به نقره گرفته‌اند. و از مرور لیل و نهار، روی او ترکیده [است]. حالا هیجده پارچه است و سه ذراع از زمین بلند است].

و اما حطیم که مابین حجرالاسود است تا در کعبه. [افضل بقاع ارض است و توبه آدم در اینجا قبول شده].

و اما مستجار در مقابل اوست یعنی از در که مسدود است، تا هفت شبر که به رکن یمانی

بماند؛ چرا که وقتی که روی شاذروان را برداشتند علامتش ظاهر شد و فقیر طولش را ضبط کرد.

و اما جامه بیرون کعبه معظمه چهار ربع است؛ هر ربعی بر دیواری هر ربعی دو جزء است اما ربع روی کعبه شریفه یک جزء و هفت تخته است و یکی هشت؛ و اما ربع پشت کعبه مثل آن است. و اما ربع عرض شامی هر جزء شش تخته است و اما ربع عرض یمانی، آن نیز هر جزء شش تخته است. [و اما در هر دو عرض یک تخته کوچکتر است] و عرض هر تخته یک ذراع و دو ثلث ذراع است. پس همه تخته‌ها، پنجاه و چهار تخته است از حریر خالص سیاه؛ و لا اله الا الله، محمد رسول الله و اسماء صحابه و بعضی آیات قرآنی بر آن نقش است به شکل دال، و بر کمر جامه شبه کمر بند، زردوزی کرده شده به آیات شریفه [قرآن]؛ و آن مثل «ان اول بیت وضع للناس...»^{۳۱} الایه. و هر آیت که ذکر بیت در او شده [؛ و اسم سلطان محمود بن عبدالحمید خان و تاریخ عمل آن] بر چهار ربع تمام دور کعبه به عرض یک تخته و اسم پادشاه و تاریخ عمل آن؛ و این چهار ربع را به کرباس سفید خام آستر کرده‌اند و بندها از ریسمان پنبه سفید به غلظ انگشت [در این ارباعها] یا... دوخته‌اند تا این ارباع به هم وصل شود و دامن جامه بر حلقه‌هایی که به سنگ شاذروان فرو برده‌اند؛ بسته و از جانب بام کعبه شریفه، در حلقه‌هایی که در چوب‌های درازی که ذکر کرده شده، بسته‌اند و حلقه‌های شاذروان چهل و هفت عدد است. و برقع در کعبه مبارک در ربع روی کعبه و آن عبارت از ستیری است که در کعبه را پوشیده است و طولش از بالای در است تا اصل دیوار، به ریسمان از بام کعبه [شریفه مبارک] آویخته‌اند و نقش‌های عجیب مثل قنادیل و محائیم و محاریب و خواتیم به عمل سوزن^{۳۲} [به آن] دوخته‌اند به خیط نقره مطّلا و غیر مطّلا؛ چنانکه حریر مضمحل شده، گویا که باخته‌اند و سُور [و آیات] قرآن مثل: «قل هو الله احد» الی آخر. «ولایلاف قریش» و آیه «لقد صدق الله ورسوله» به او نقش کرده‌اند.

و اما جامه اندرون در تجزیه و آستر و الت... (؟) مثل جامه بیرون است. اما از طرف دامن بیسته‌اند و رنگش نیز سرخ و سفید است و در نقش به مثل جامه بیرون است لیکن اسامی اصحاب بر او نقش نیست و ستونهای اندرون کعبه را نیز به همین جامه پوشیده‌اند.

و اما شاذروان کعبه شریفه که در بیان حجر اسماعیل ذکر شد. [عبارت از بعضی از چهار طرف کعبه است، ارتفاعش دو ثلث شبر است] و عرض آن نصف ذراع است و از سنگ

متعارف، و ارتفاعش دو ثلث شبر است و از سنگ مرمر. چنانکه در یک طرف سنگ در دیوار کعبه و یک طرفش در اول شاذروان [آن را] مورّب پوشیده‌اند چنانکه در [بر] شاذروان نمی‌توان ایستاد الا در طرف در کعبه شریفه؛ و طول مرمر شاذروان، یک ذراع و نیم است. و اما مطاف و حوالی آن تا موضعی، که ستونهای کوچک، آن را احاطه کرده عبارت از مسجد الحرام زمان پیغمبر - صلوات الله و سلامه علیه - مفروشست به سنگ مرمر و دوره آن را سی و سه ستون کوچک احاطه کرده و در هر سر ستونی قبه‌ای است کوچک... هلالی از میسّ مطّلا [و هلالی بالای قبه] و میان هر دو ستون راه است که به مطاف داخل می‌شوند و هر دو ستون را به میل از آهن متصل کرده‌اند به غلظ دست آدمی؛ و به این میل [و مابین هر میل] هفت قندیل آویخته شب روشن می‌شود. وسعت دوره مطاف دوست و هجده ذراع است. وسعت آن از رکن عراقی تا انتهای آن به قبه زمزم، سی و هفت ذراع است. وسعت آن از رکن شامی تا طرفی که قریب مقام است سی و سه ذراع است. وسعت آن از رکن غربی تا محیطی که مقابل اوست سی و پنج ذراع است و وسعت آن از رکن یمنی تا محیط مقابل آن سی و پنج ذراع است.

و اما مقام ابراهیم؛ و آن سنگ است، طول آن یک ذراع و عرض آن نصف ذراع؛ و ارتفاع آن دو ثلث ذراع. و نشان هر دو قدم مبارک حضرت ابراهیم - ع - بر اوست و در برابر خانه کعبه واقع است؛ اندکی مایل به دست راست داخل در اندرون قبه که طول آن دو ذراع و دو ثلث ذراع است و عرض آن دو ذراع و نصف؛ و آن قبه دری دارد و قفلی از آهن [نقره و دو حلقه نقره دارد] و جامه بر آن قبه پوشانیده‌اند به نقش برقع کعبه؛ و اما نقش این خفیف تر است و بر اطراف جامه نوشته است آیاتی که ذکر «بیت» در او شده و مثل آیه شریفه: ان اول بیت وُضع للناس^{۳۳} و امثال آن و اسم سلطان؛ و این قبه در میان قبه دیگر است بر چهار ستون کوچک و مربع است و متقوش است به آب طلا؛ و میان هر دو ستون شبکه‌ای است از آهن به نقش عجیب؛ و بر بالای قبه هلالی است مطّلا و بر در قبه بزرگ صفاست سقف آن به ارتفاع قبه، و یک طرف سقف آن صّفّه بر دو ستون قبه است؛ و طرف دیگر بر دو ستون دیگر. و طول آن صّفه شش ذراع است و عرض آن پنج ذراع. و مقام ابراهیم در زمان حضرت ابراهیم لاحق کعبه بوده است و کفّار قریش آن را تحویل کرده‌اند به حالی که الحال هست برده بوده‌اند و رسول الله - صلی الله علیه و آله - به جای خود آورده بود و در زمان خلافت عمر فرموده که به

جای کفار قریش برده‌اند. در تہذیب، حدیث مذکور است در زیادات کتاب حج همچنین: عن عبد اللہ بن میمون عن جعفر عنہ ایہ - علیہما السلام - قال: کان المقام لازقاً بالیبت فحوّله عمر؛ ... و ما مأموریم کہ نماز در ہمین جایی کہ هست می‌کرده باشیم تا زمان مہدی - علیہ السلام - .^{۳۴} [حالاً جای مقام خالی مانده مثل محراب است. مابین حجرالأسود و رکن شامی است. طولش سه ذرع و نیم، عرضش دو ذرع و نیم و عمقش نصف ذراع است]. و منبر بسیار عالی و از سنگ مرمر است منقش بہ نقشہای عجیب از نفس خود؛ و شانزده درجہ دارد و بر درجہ علیای آن قبہ است و مشکّل بہ شکل صنوبری و بر بالای قبہ لالہ‌ای است مشبک بہ لفظ جلالہ و محمّد و بر درجہ سفلی او دری است مشبک از برنج و در بالای در، قطعہ‌های سنگ مرمر بہ نقش عجیب ساخته‌اند. [روز جمعہ وقت ظہر خطیب خطبہ می‌خواند].

* فصل سوم:

در صفت مسجد الحرام و صفا و مروہ؛ بدان ای برادر وفقك اللہ آنکہ مسجد الحرام دو طرفش درازتر از دو طرف اوست [اما بہ شکل مستطیل نرسیدہ] و طول او چهارصد ذراع است و عرض او دوست و ہفتاد ذراع بہ غیر از ہر دو زیادہ کہ مذکور خواهد شد - واللہ اعلم - و بہ سنگ ریزہ مفروش است الا پشت مقام حضرت ابراہیم - علیہ السلام - ؛ و بعضی از اطراف زمزم و حوالی منبر کہ آن بہ مرمر [بہ رخام] مفروش است و در ہر رکنی از ارکان منارہ‌ای است و مابین دیوار عرض مسجد کہ در برابر روی کعبہ است نیز منارہ‌ای است و مابین دیواری کہ در مقابل ناودان رحمت است نیز منارہ است و دیوارہای مسجد الحرام عالی است و کعبہ شریف در میان مسجد واقع شدہ مثل عروسی کہ سراپا سیاہ پوشیدہ و کمر زرین بر میان بستہ باشد و دو زیادہ دارد خارج از طول و عرض آن، یکی در طولی کہ مقابل عرض شامی کعبہ است و در آن نیز منارہ ایست، [پس مجموع ہفت منارہ] و یک زیادہ دیگر در عرضی است کہ مقابل پشت کعبہ مبارک است.

و اما ابواب مسجد الحرام نوزدہ باب است: اول، باب السلام است و آن سہ منفذ دارد. دوم باب دُزنیہ و آن یک مدخل دارد. سیم باب سویقہ، در زیادہ اولی است و آن نیز سہ مدخل دارد. و چهارم باب الفہود و آن نیز در ہمین زیادہ است و آن یک مدخل دارد. پنجم باب العجلۃ و آن مشہور بہ باب باسطیہ است و آن نیز یک مدخل دارد. ششم باب السدہ و آن نیز

یک مدخل دارد. هفتم باب عمره و آن نیز یک مدخل دارد. و هشتم باب ابراهیم و آن در زیاده دوم است و بر بالای آن قصری عالی است و آن نیز یک مدخل دارد؛ نهم باب غروره است و آن غلط است بلکه خزوره است به وزن قَشَوْرَه؛ چنانکه شیخ طوسی - رحمه الله - در کتاب تهذیب روایت کرده همچنین: الحسین بن سعید عن فضاله عن عبدالله بن سنان عن ابی عبدالله - علیه السلام - قال: خطّ ابراهیم - علیه السلام - بمکة ما بین الحزورة إلى مسعی؛ و خزوره اسم شتر^(۴) کوچک است و ابن اثیر صاحب «نهاية» لغت خزوره در نفس حدیث آورده بدین عبارت: و منه حدیث عبدالله بن الحمراء أنه سمع رسول الله - ص - و هو واقف بالحزورة من مکة؛ هو موضوع بها عند باب الحناطین^{۳۶} و آن دو مدخل دارد. دهم باب ام هانی، و آن نیز دو مدخل دارد؛ یازدهم باب رحمت و آن نیز دو مدخل دارد. دوازدهم باب مجاهدیه و آن نیز دو مدخل دارد. سیزدهم باب اجیاد و آن نیز دو مدخل دارد. چهاردهم باب الصفا و آن پنج منفذ دارد. پانزدهم باب البغله و آن دو مدخل دارد. شانزدهم باب بازان و آن نیز دو مدخل دارد. هفدهم باب امیرالمؤمنین و امام المتقین علی بن ابی طالب - صلوات الله علیه و علی اولاده الطاهرین - و آن سه منفذ دارد. هیجدهم باب عباس است و آن نیز سه مدخل دارد. نوزدهم باب الجنایز و آن دو مدخل دارد. پس جمیع منافذ [مداخل] شریفه سی و نه است.

و اما ستون‌های شریف آن، آنچه خارج دیوار است پانصد ستون است تقریباً از مرمر یک پارچه؛ و غیر آن در چهار طرف مسجد، هر طرفی سه صف دارد و بعضی چهار صف؛ و آنچه داخل دیوار است قریب شصت ستون است؛ والله اعلم.

و اما قبه‌هایی که در صحن مسجدالحرام است سه قبه‌اند؛ اما اول از عباس است و آن مربع است و قبه کوچک در پشت او متصل است؛ چنانکه تفاوت در ترییع او نشده بلکه تفاوت در مدخل است و گویا که هر دو در یک قبه است و در میان قبه عباس حوضی است مدور که به آب زمزم پر می‌شده و شش شباک دارد از آهن. و قبه دویم فرشان است و در زاویه شرقی آن سنگی است مرمر، و می‌گویند که اثر قدم حضرت رسول الله - صلی الله علیه و آله - بر اوست والله اعلم. و آن مربعی است و شش شباک از آهن دارد. قبه سیم زمزم است و آن نیز مربع است و هشت شباک آهنین دارد؛ و در بالای آن محلی از برای مؤذنان ساخته‌اند مسقف است به سقف طولانی و در بالای آن سقف قبه است، و هلالی در بالای آن و متصل به قبه زمزم قبله‌ای است مستطیل و این قبه بزرگ نیز مثل قبه عباس، قبه کوچک را فرو گرفته چنانکه گویا

یک قبه است و سه شباک از آهن دارد و تفاوت در مدخل دارد و نردبان از محل مؤذنان در یک طرف قبه زمزم است و دری دارد. و اما قبه‌های رواق مسجدالحرام با هر دو زیاده یکصد و پنجاه و یک قبه است و بر سر هر قبه یک هلال از برنج سی و یک قبه در هر دو زیاده است و باقی در چهار طرف مسجدالحرام.

و اما چاه زمزم در میان قبه مذکوره است و طول آن چهل ذراع است به ذراع عمل بنائین؛ و در دور چاه دیواری است از سنگ مرمر که هر سنگ از آن در میان دو ضلع اصلب سرب فشانده^{۳۷} ساخته‌اند و بر بالای آن دیوار طوق آهن مدور گردانیده‌اند و در مابین هر دو طوق را به میل‌های آهن متصل کرده‌اند و دور آن میل‌های آهن را بقدر یک شبر به مس پوشیده‌اند و دو تیر چوب عظیم در سقف قبه گذاشته‌اند؛ یک طرف هر دو را در دیواری که از جانب در قبه است و یک طرف دیگر را در مقابل آن که طرف مطاف به آن منتهی می‌شود نشانده‌اند و بر بالای هر دو چوب، دو تیر چوب کوچک‌تر از اول انداخته‌اند و بر آن چهارچوب دایرها تعبیه کرده‌اند و ریسمان در آن دوایر انداخته‌اند آب می‌کشند و اما امکانه که بدعت کرده‌اند مثل مقام هر یک از ائمه اهل سنت و جماعت، احتیاج به ذکر آن نیست. [عرض دهن چاه زمزم که از مرمر است چهار ذراع است. اما سقف چاه زمزم را شافعی بدعت کرده‌اند؛ مقام ساخته است. نماز جماعت می‌گذارند. در طرف مشرق است. اما مقام مالکی در طرف مغرب است در پشت کعبه شریف است. اما مقام احمد حنبل مابین جنوب و مشرق برابر حجرالاسود است. اما مقام حنفی در طرف شما برابر ناودان رحمت است].

و اما صفا؛ آن کوهی است که آدم - علیه و علی نبینا علیه السلام - از بهشت به آن کوه فرود آمده و وجه تسمیه‌اش به صفا این است که مصطفای نبی به آن فرود آمده به دلیل آنکه حق تعالی در قرآن مجید آدم - علیه السلام - به این طریق یاد کرده: *إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَىٰ آدَمَ وَنُوحَ وَآلَ إِبْرَاهِيمَ وَآلَ عِمْرَانَ عَلَى الْعَالَمِينَ؛ چنانچه معصومین - علیهم السلام - فرموده‌اند. الحال خانه‌ها بر بالای آن کوه ساخته‌اند و مردم در آن ساکن هستند و سه طاق متصل به یکدیگر در دامن آن کوه ساخته‌اند و در پیش و پس آن طاقها، پاره‌ای از دامن آن کوه را هموار کرده‌اند بر مثال صف‌ها؛ و آن چهار طبقه است طبقه اول که به بالا می‌رود سه درجه دارد و طبقه دوم چهار درجه دارد و طبقه سوم نیز چهار درجه دارد و طبقه چهارم دو درجه دارد [و مابین صفا و مروه پانصد و سی گام است به گام انسان معتدل القامه].*

و اما مروه؛ و آن کوهی است که حوّا - علیهما السلام - از بهشت به آن کوه فرود آمده و وجه تسمیه اش به مروه آنست که مرأة به آن فرود آمده صالحه [که] احادیث شریفه به آن ناطقتست. و الحال خانه های اهل مکه بر بالای آن ساخته و یک طاق عظیم در دامن آن کوه است. و بعد از آن صفا ایست و دو درجه بلندتر از زمین مسعی است. و مابین صفا و مروه بازاری است سرتا [سر] پوشیده و از دو طرف دکانهاست؛ چنانکه هر که در صف ایستاد، مروه را می بیند و بالعکس.

خاتمه در ذکر مولد شریف سید کائنات - صلی الله علیه و آله - و مولد علی بن ابی طالب - علیه السلام - و مولد سیده النساء العالمین فاطمة الزهراء - علیها صلوات رب الارض و السماء - و سنگی که نشان مرفق آن حضرت - صلی الله علیه و آله - دارد و معلی و شبیکه که عبارت از دو مقبره مکه معظمه اند و قبور صالحانی که در معلی آسوده اند.

بدان ای برادر که مولد شریف سید البشر و شفیع محشر - صلوات الله علیه و آله - و آن روضه ای است مثل مسجدی مربع، عالی بنا و دو در دارد و محرابی در رکن قبلی، و منبر نیز دارد و موضع شریفی که حضرت رسول الله - صلی الله علیه و آله - به زمین فرود آمده حفرة صغیره ایست و قبه از چوب [مخروطی] ۳۸ بر بالای آن گذاشته اند و جامه بر آن قبه پوشانیده اند [و دری دارد قفل کرده اند. محافظ دارد، در را گشوده زیارت می نمایند]. ۳۹

اما - مولد امیر المؤمنین علی بن ابی طالب علیه السلام - را در جایی که در مکه مشهور است غلط است چرا که مولد شریف آن حضرت - علیه السلام - چنانکه زبده عارفین و صاحب کرامات و مقامات احمد بن موسی بن الوری، ۴۰ ذکر کرده، کعبه شریف و عبارتش این است: ولد علیه السلام بمکه فی البیت الحرام یوم الثالث عشر من شهر الله الاصم رجب بعد عام الفیل بثلاثین سنه، و لم یولد قط فی بیت الله تعالی مولود سواه، لاقبله و لابعده، و هذه فضیلة خصه الله بها إجلالاً لمحلّه و منزلته و إعلاءً لرتبته؛ و امّه فاطمة بنت اسد بن هاشم بن عبد مناف، و کانت من رسول الله - صلی الله علیه و آله - بمنزلة الامّ، و ربّی فی حجرها، و کانت من سابقات المؤمنات إلى الایمان و هاجرت معه الى المدينة و کفنها النبی - صلی الله علیه و آله - عند موتها بقمیصة کیدراً به عنها هو امّ القبر و لقنّها الإقرار بولاية ابنها كما اشتهرت به الروایة، فكان امیر المؤمنین - علیه السلام - هاشمياً من هاشمیتین، و اول من ولده هاشم مرتین.

مولد سیده نساء العالمین فاطمة الزهراء - صلوات الله علیها -، و آن روضه ای است عالی و

در قبله آن رواقی است و در او محرابی است و در موخر آن قبه‌ای است عالیه و بر سر آن قبه هلالی است؛ و مسقط رأس آن حضرت، وقتی که داخل روضه شدی، دست راست خانه مربع طولانی، و در اندرون خانه حفره‌ایست کوچک‌تر از قبه پدرش صلوات‌الله علیهما. و اما موضع مرفق آن حضرت علیه‌السلام حفره‌ایست صغیره در سنگی، و آن را بر دیوار خانه نشانده‌اند؛ و ارتفاعش در دیوار دو ذراع است؛ و آن کوچه را که آن سنگ در دیوار اوست زقاق الحجر می‌خوانند و در وقتی که از باب السلام گذشته به صفا می‌روند، در دست چپ است.

و هر چه در این رساله از اذرع ذکر شده به ذراع انسان متوسط است الا زمزم و حجرالاسود که به ذراع عمل متعارف است نزد بنائین.^{۴۱} و اما معلی قبرستان عظیمی است و در دامن کوهی واقع است و در او از قبور اهل کرامات و مقامات از اهل بلد و آفاق بسیار است؛ اما آنچه امروز مشهور است به اتفاق جمیع فرق، قبر مادر سیده نساء عالمیان جدّه ائمه المعصومین، زوجه رسول رب العالمین صلوات الله و سلامه علیه و علی اولاده الطاهرین خدیجه کبری صلوات الله علیهاست. و به اعتقاد شیعه، قبر جد رسول الله - صلی الله علیه و آله - عبدالمطلب و عم او ابوطالب - صلوات الله علیهما - و از مؤمنان صالح قبر سید صالحین سید نصیرالدین حسین و قبر استاد فقیر در علم شریف احادیث سلطان المحققین ملامحمد امین استرآبادی و میرزا محمد استرآبادی و شیخ محمد بن حسن بن شهید ثانی - رحمهم الله - .

و از تفضلات الهی به فقیر یکی آن است که چون در همین سال ثمره الفؤاد فقیر، سید ابوجعفر که در پنجسال و نه ماه، نصف سوره «انا فتحنا» خواند و تصریف زنجانی را با امثله حفظ کرده، با والدهاش که معاون فقیر بود در طلب علوم، سکینه بیگم - رحمهما الله - و یک برادر دیگرش به دار بقاء رحلت کردند، سه قبر در موضعی که مردم می‌ایستند و از برای خدیجه - علیها السلام - فاتحه می‌خوانند، در مقابل صندوق آن حضرت، به فقیر حقیر از جانب الله مرحمت شده، در یکی والده سید ابوجعفر را دفن کرده و در یکی دیگر سید ابوجعفر را؛ و به آن سبب قطع تعلق از دنیا و مافیها کرد؛ اما حق سبحانه و تعالی منصب اساس کعبه شریفه را در همین سال به فقیر مرحمت فرمود؛ الحمد لله؛ و یک قبر دیگر را از برای خود ساخته و در اندرون آن رفته خوابید و تلقین خواند و بعضی از سور قرآن، و به امانت سپرد. و امید که بعد از مردن همان کافی باشد. و اگر قبل از مردن حضرت ناموس... حضرت صاحب الزمان

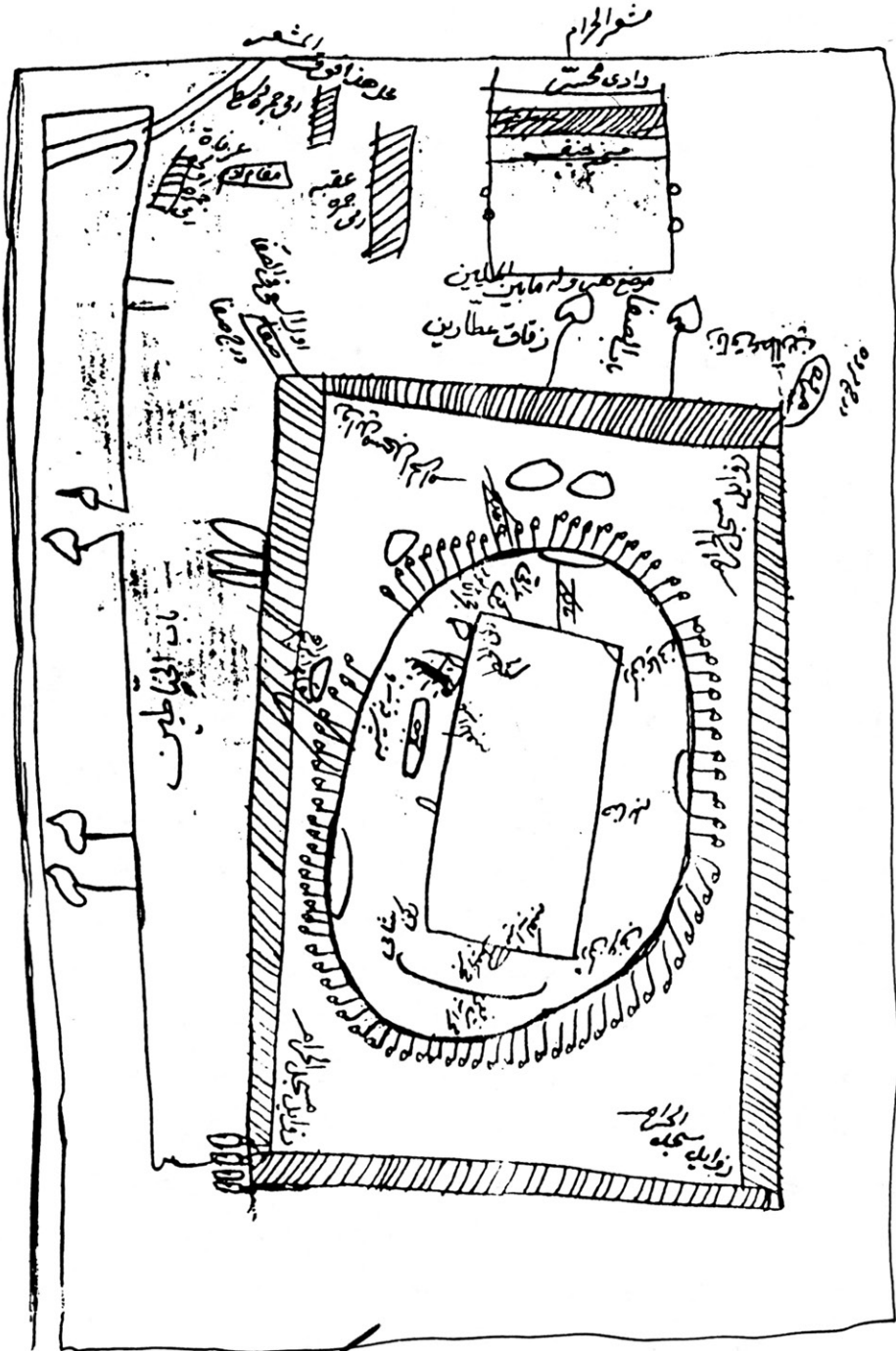
[آمد؟] احتیاج به آن قبر نیز نیست (؟) و ماتدری نفس بأتی ارض تموت. ۴۲

و اما شییکه؛ قبرستانی است از اهل یمن و هر که در اسفل مکّه معظمه ساکن است.

نصیحت: ایها المؤمنون جهد کنید که این امکنه شریفه را دریابید و خانه آخرت خود را معمور کنید و در تفسیر علی بن ابراهیم در سوره لقمان در حالی که نصیحت فرزند خود می‌کند بقوله: یا بنی، مذکور است و ترجمه‌اش این است که گفته‌ای پسرک! من از آن روزی که در شکم مادر فرود آمده، روی به خانه آخرت کرده؛ و هر روز از خانه دنیا دور می‌شوی پس آن خانه را که روی به آن کرده‌ای نزدیکتر از آن خانه‌ای است که از آن دور می‌شوی؛ بنابراین به عمارت خانه آخرت مشغول باید شد، و عاقل را همین اشاره کافی است.

و خاتمه را تمام می‌کنم به اسامی جماعتی از مؤمنین که در کعبه شریفه کار کرده‌اند: محمد حسین ابرقویی مذکور و فرزند^{۴۳} سید احمد بن محمد معصوم و محمد علی بن عاشور با پدرش و حسن بن عبدالله سمنانی و درویش حیدر کشمیری و میرزا خان کشمیری، و حاجی حسن علی اردبیلی و حاجی معصوم بیک تبریزی و حاجی محمد شفیع تبریزی و پسر او ابراهیم بیک، و شیخ طایف که رضیع سید ابوجعفر ولد فقیر است و شیخ عبدالعلی العاملی و اسماعیل بن شهید اوغلی (کذا) و دو غلام فقیر مفلح و نافع.

الحمد لله که تمام شد این رساله شریفه روز یکشنبه بعد از عصر دوم شوال ۱۰۴۰ بعد از هجرت نبویه به ید فقیر کثیر التقصیر زین العابدین بن نورالدین مراد بن علی بن مرتضی الحسینی الکاشارنی مولدأ، المکی وطنأ، الجعفری مذهبأ حشره الله مع المؤمنین و المؤمنات احياهم و امواتهم و الذی فی اصلاب الرجال الی یوم الدین فی زمرة محمد سید المرسلین و اهل بیته المعصومین - صلوات الله علیهم اجمعین - آمین یا رب العالمین.



أرسلت للعرفاء جعل يفتح
 أو أرى خط يتسطرح

فمسه فوق در كتاب سيد اسماعيل مرندى آمده است.

توصیف مدینه از: سید اسماعیل مرندی در سال ۱۲۵۵ هجری:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ وَ بِه تَوَكَّلِي
 الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَالصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ عَلَي
 أَفْضَلِ الْأَوْلِيَيْنِ وَالْآخِرِينَ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ أَجْمَعِينَ

بدانکه از برای مدینه طیبه، چهار دروازه دارد؛ یکی باب شام است و یکی باب قبله است و یکی باب مصر و یکی باب جمعه که در سمت بقیع است.

مسجد حضرت رسول خدا - ص - در اصل، درون قلعه واقع است. پنج مناره دارد. مرقد پرنور حضرت رسول - ص - در میان شبکه برنج افتاده است. از درون شبکه مقدار دو ذرع فاصله پرده است که اطراف قبر پرنور احاطه کرده است. میان پرده و شبکه را فَرَّاشین خلوت، که خواجه سرا می باشد، شبها قندیل روشن می کنند، مثل روز می شود و متصل به شبکه، حضرت فاطمه زهرا - علیها سلام - مدفون شده است؛ و شبکه چهار در دارد: اول باب توبه، دوم باب وفود، سیم باب فاطمه - علیها سلام -، چهارم باب تهجد است. مابین روضه مطهره و منبر ستونهای متعددی می باشد: ستون مهاجرین است ستون عایشه، ستون قرعه، ستون مخلوق، ستون قوله و ستون سریر و ستون محرس و ستون وفود و ستون قلاوه و ستون تهجد، و مقام جبریل در مابین پای جبریل است و شبکه و سط است و هر ستون اعمالی دارد باید برآورده شود و ستون سریر مقابل سر مبارک افتاده است.

اصل مسجد حضرت سه هزار [و] ششصد ذرع است که شصت در شصت است. حد مسجد از شبکه قبر است تا به حدی که زمین مرتفع می شود و در سمت قبله مجمر دارد و چهار ستون از منبر عرض مسجد است و زیاده بر این قدر از زیادی هاست که در زمان خلفا بهم رسیده است. اصل منبر حضرت را در مسجد قبا نصب کرده اند حالا در مسجد حضرت، منبر مرمر است که سلطان مراد درست کرده است.

مسجد حضرت رسول - ص - چهار در دارد: اول باب بزرگ و آن را باب سلام می گویند؛ دوم باب رحمت است؛ سیم باب النساء است، چهارم باب جبریل است که در

سمت بقیع است. در مدینه مسجدهای متعددی که مسجد نبی و مسجد علی و مسجد ابوبکر و مسجد عمر می‌گویند بسیار است؛ و حمام و باغ و نخلستان دارد؛ قلعه مضبوط دارد؛ در میان قلعه قبر عبدالله پدر حضرت رسول خدا که در ذقان الطوال، در یسار داخل باب مصری، در خانه که معروف است به بیت ابی‌النبی - ص -؛ و قبر آن حضرت در صندوقی خرپشتی است در جوف آن ضریح چوبی کوچک. و قبر حضرت اسماعیل فرزند جعفر صادق - ع - معروف است و قبه دارد و متصل به دیوار قلعه مدینه است به سمت بقیع؛ و همچنین قبر مالک بن سنان والد ابوسعید خدری که از جمله شهدای احد است و قبرش در عین خارج از باب مصر است. خانه حضرت امیرالمؤمنین که در شبکه خانه حضرت پیغمبر - ص - و حوالی قبره مطهره فاطمه است؛ و خانه امام زین‌العابدین - ع - و امام جعفر صادق - ع - که در حوالی مسجد حضرت رسول خداست؛ مسجد خلفای اربعه که در بالا اشاره شد در میدان مناخه واقع است و مسجد حضرت نبی و ابوبکر و عمر و عثمان را تجدید کرده‌اند و مسجد حضرت امیر - ع - خراب است و مناره دارد و هر یک از مساجد مناره دارد. در میان شهر مدینه بازار خوب و یک حمام جدید ساخته‌اند که امسال سنه ۱۲۵۵ تمام شده است و مدارس و دکاکین خوب دارد و چشمه خوب دارد و خربزه و هندوانه و انگور و ترنج و لیمو و شفتالو و انجیر و موز که چیزی است بسیار لذیذ دارد و بادنجان و سربات و کاهو خوب حاصل می‌شود.

از باب جمعه که بیرون روی، قبرستان بقیع است؛ دورش حصاری دارد و درهای متعدد دارد، لیکن بسته‌اند و همیشه یک در گشاده مانده است، دربان دارد، به هریک نفر از اهل ایران در قدیم پنج قریش می‌گرفتند؛ امسال کمترین بندگان محمد هاشم خلف مرحوم میرزا اسماعیل تبریزی نشاکی چارمنار حسب الأمر خداوندگاری ایلچی مختار مشهور به میرزا جعفر مهندس باشی ادام الله جلاله به مصر رفته از حضرت خدیو اعظم باشا، به محافظ آنجا که محرم بیگ است فرمان برده موقوف کرده‌اند.

و قبرستان کلاً قبور است؛ آنها که در بالای سر قبه می‌ساختند اینهاست: بقعه ائمه بقیع دو در دارد یکی در طرف راست و یکی در طرف چپ؛ هر دو نزدیک به سر ضریح مطهر است. بالای در، در سنگ منبر نوشته: «هذا قبر فاطمه بنت رسول الله - ص - و قبر حسن بن علی؛ و قبر محمد بن علی؛ و جعفر بن محمد و عباس بن عبدالمطلب» و هر پنج تن مطهر در یک ضریحند از چوب مشبک؛ و عباس در بالای سر حضرت ائمه اربعه است و قبرش

علی حده است در میان ضریح؛ و چهار معصوم متصل به یکدیگر؛ و در بالای قبر مطهر پرده کشیده‌اند و یک قبه بزرگ دارد. و محراب قبر حضرت فاطمه - علیها سلام - را زیارت می‌کنند لیکن قبر فاطمه بنت اسد است و هم پرده دارد؛ چونکه حضرت در میان اهل سنت افتاده‌اند، هیچ زینت ندارند، فرش مستعمل دارد. امسال از یزد، یک نفر کلان دوز (?) فرش بسیار خوب فرستاده بود، نینداخته بودند، در بالای هم مانده بود. شیخ احمد بحرینی - ره - چهار وجب به دیوار مانده در تحت میزاب مدفون است. از قبر شیخ مرحوم تا قبر حضرت فاطمه - ع - سه ذرع است بیشتر نیست در سمت قبله مابین بیت‌الاحزان است و قبر مخفف دارد. دیگر قبه حضرت عقیل بن ابی طالب برادر حضرت امیر - ع - است؛ با عبدالله بن جعفر در یک قبر مدفون است. و دیگر قبه بنات حضرت رسول خداست که همه در یک ضریحند. به قول اهل سنت رقیه، ام کلثوم، زینت دختران رسول است. و دیگر قبه ازواج حضرت رسول - ص - که عایشه و ام حبیبه بنت ابوسفیان و سوده بنت زمعه و حفصه بنت عمر و زینب بنت خزیمه و ام سلمه و زینب بنت جحش و جویریة و صفیه خیبری و میمونہ بنت حرث، ماریه قبطیه است. هر چند اسامی اینها در زیارت نوشته‌اند اما به اعتقاد اهل سنت است نه به اعتقاد اهل تشیع.

و دیگر قبه حضرت ابراهیم - ع - پسر حضرت رسول خدا - ص - است که یک ضریح دارد. و دیگر قبه امام [مالک] که امام چهارم اهل سنت است. و دیگر قبه شیخ امام نافع است که از مشایخ اهل سنت است. و دیگر قبه حلیمه سعدیه دایه حضرت رسول خداست و دیگر قبه عثمان بن عفان است که در آخر بقیع است. و دیگر قبه بیت‌الاحزان است که حضرت فاطمه - علیها سلام - گریه می‌کرد؛ جای خالی و فرش ندارد. اگر یکی از مسلمانان فرش بفرستد ثواب یکی [خیلی؟] برده است.

و دیگر قبه حضرت فاطمه بنت اسد است. و دیگر قبه ابو سعید خدری است، لیکن در قبه فاطمه و ابو سعید از بقیع خارج است در روحا نزدیک الحمام ابن قطیفه است. و دیگر قبه حضرت فاطمه بنت عبدالمطلب عمه حضرت رسول مادر بریر است. از اینها را بعضی شیعه زیارت می‌کنند و بعضی کار ندارند. اللَّهُمَّ سَرِّنا بِشَفَاعَتِهِمْ. حق سبحانه و تعالی به حرمت حبیب اکرم خود به جمیع مسلمانان زیارت این بزرگواران نصیب کند و شفاعت اینها را روزی نماید. سیزده بقعه در قبرستان بقیع هست باقی قبر بزرگ و سادات و مشایخ اهل مدینه است که قبه ندارد. و دیگر مسجد قباست که یک ساعت راه از مدینه است. طول و عرض برابر است.

شصت [و] شش ذراع است و اخبار در فضیلت آن بسیار است و در نزدیکی مسجد، چاه خاتم است که انگشتر حضرت رسول - ص - افتاده، آب بالا آورده است. دو رکعت نماز دارد؛ آب خوب دارد.

و مسجد حضرت امیر - ع - و مسجد ابوبکر و مسجد شمس در نزدیکی مسجد قباست؛ و مسجد حضرت فاطمه - ع - و مسجد عرفه و مسجد جمعه مابین مدینه و قباست؛ و دیگر مسجد فضیخ که در طرف شرقی قباست؛ نیم فرسخ از قبا دور تر است، نزدیک باغ فدک است. مسجد قدیم و مندرس است؛ حالا اطفال درس می خوانند. و مشربۀ ام ابراهیم حالا خراب است، در میان نخلستان افتاده است. در مسجد است نزدیک به یکدیگر؛ مدتی مکن و محل حضرت رسول - ص - بوده است. و دیگر مسجد احزاب در شمال قبا، نیم فرسخ دور تر، اعمالی مخصوص دارد. و مسجد فتح و مسجد حضرت سلمان و مسجد مباحله و مسجد حضرت امیر - ع - و مسجد ابوبکر. و این شش مسجد نزدیک یکدیگر افتاده است.^{۴۴} نیم فرسخ از مدینه راه است؛ و دیگر مسجد ذی قبتین که سه رعب از مدینه راه مابین احد و قباست.

دیگر کوه احد است یک فرسخ از مدینه راه است. قبر حضرت حمزه عم رسول خدا - ص - در آنجاست؛ قبه و صحن دارد؛ یک صندوق چوبی دارد، بالای قبر مطهر پرده انداخته اند، زیارت کرده نماز گزار داریم؛ چندان زینت ندارد و جهت آنکه خوف وادی است و یک قطعه میرعماد حسنی از اهل قزوین وقف کرده، نصب کرده است. در پایین پای حضرت، قبر سنقر ترک است. و در پشت قبر، سید عقیل از اهل مدینه است. و در صحن قبر حاکم مدینه است؛ هر سه قبر از اهل تن^{۴۵} است مشته نباشد. و نزدیکی بقعه قبور شهدای احد است که یک دیوار کشیده اند و یک در دارد؛ همه در یک جا مدفونند. و قدر یک رعب رفته نزدیک به کوه، قبه مَکْسَرِ السَّنِّ است که در آنجا دندان حضرت را شکستند.

در بالای کوه احد مسجد احد است، قدری صعوبت دارد بالا رفتن به کوه؛ احقر عبادالله کلاً این مقامها را زیارت کرد و نماز گزارد و بسیار دقت کرد از این و آن پرسید و نوشت و اسباب بسیار از مناسک علما جمع بود، مگر مسجد احد را زیارت نکردم هوا گرم بود صعوبت داشت.

و در مراجعت در مسجد شجره که دو ساعت راه است احرامگاه است و مسجد خراب است حوض خراب هم دارد؛ و قدری گذشته مسجد معرّس است او هم خراب است ۱۰ (شاید:

(۱۵) ساعت از مدینه گذشته قبور شهداست و مسجد غزاله است، زیارتش نصیب شد. در صفر قبر ابوذر غفاری در یسار راه، در میان نخلستان است و دیگر قبور شهدای اهل بدر است که سیزده نفرند میان حصار و یک در دارد. قبور ایشان متصل به یکدیگر، بسیار بلند قامت می‌باشد. و مسجدی که حضرت رسول نماز گزارده و سنگی که در بالای او نشسته تماشای جنگ کرده است. و سنگی که از بالای مسجد پایین آمده نقش پای دارد(؟). و دیگر مسجد غمامه است، در میان نخلستان بقیع است که منبری از سنگ دارد. ابر در بالای همان مسجد سایه بر حضرت انداخته است. و مسجد عریش که چشمه بدر از زیر این مسجد می‌گذرد. القصه مساجد بقیعه (؟) در این راه بسیار است خدا به جمیع مسلمانان [زیارت آنها را] نصیب گرداند. تمام شد.



پاورقی‌ها:

- ۱ - نک: حدیقة الشیعة، عبدالحی رضوی، نسخه ۱۱۲۴، کتابخانه آیه‌الله مرعشی، برگ ۴۹.
- ۲ - ریاض العلماء، ج ۲، ص ۳۹۹.
- ۳ - بحار الانوار، ج ۱۰۷، ص ۱۴.
- ۴ - الروضة النضرة، ص ۲۳۹.
- ۵ - نسخه ۸۱۳۳ کتابخانه آیه‌الله مرعشی؛ نک: فهرست همان کتابخانه، ج ۲۱، صص ۱۲۶ و ۱۲۷.
- ۶ - ما برخی از آنچه علاوه بر گزارش فارسی در متن مرندی بوده در کروشیه آورده‌ایم؛ در یک مورد نیز، چند سطری از آن را که حاوی آگاهیهای تازه بود، در پاورقی آورده‌ایم.
- ۷ - نک: طبقات اعلام الشیعه (قرن ۱۱) ص ۵۶.
- ۸ - الکافی، ج ۲، ص ۱۸۸.
- ۹ - الکافی، ج ۲، ص ۱۸۹ - ۱۸۸.
- ۱۰ - الکافی، ج ۲، صص ۱۹۱ - ۱۹۰.
- ۱۱ - هود: ۷.
- ۱۲ - شاید: اگر؟
- ۱۳ - در متن عربی آمده که در این زمان خبر به مصر و قسطنطنیه رسید و آنان دو نفر را به عنوان وکیل و مباشر فرستادند.
- ۱۴ - آنچه در کروشیه آمد حدسی است. در متن عکسی ما صحیح آن در حاشیه بود، و متأسفانه عکس آن را نگرفته است.

- ۱۵ - بقره: ۲۲۰ .
- ۱۶ - الحاقه: ۳۲ .
- ۱۷ - از اینجا به مقدار یک صفحه، نسخه عکس ما ناقص بود که از فراید الفوائد نقل شده و چند سطر آخر این صفحه در آن کتاب نیز نبود که به ترجمه متن عربی اکتفا کرده و آن را در کروشه گذاشتیم.
- ۱۸ - ص: ۳۹ .
- ۱۹ - برگرفته از آیه ۱۲۷ بقره.
- ۲۰ - توبه: ۱۰۵ .
- ۲۱ - همانگونه که صفحه قبل اشاره شد آنچه در کروشه در اینجا آورده‌ایم ترجمه متن عربی رساله است.
- ۲۲ - الکافی، ج ۴، ص ۲۲۲ .
- ۲۳ - بقره: ۲۹ .
- ۲۴ - الکافی، ج ۴، صص ۱۸۸ - ۱۸۷ .
- ۲۵ - در من لایحضر آمده: عن أبي خديجه عن أبي عبدالله - عليه السلام .
- ۲۶ - الکافی، ج ۴، صص ۱۸۹ - ۱۸۸ .
- ۲۷ - الکافی، ج ۴، ص ۱۸۹ .
- ۲۸ - الکافی، ج ۴، ص ۲۴۰ .
- ۲۹ - اصل روایت چنین است: و روی أن فيه قبور الأنبياء و ما في الحجر شئ من البيت و لا قلامه ظفر؛ کتاب من لایحضره الفقيه، ج ۲، ص ۱۹۳، ش ۲۱۱۷ .
- ۳۰ - نوعی سنگ آهکی که با تراش آن، به صورت زیبایی درمی آید و رگه‌های رنگی در آن وجود دارد (معین).
- ۳۱ - آل عمران: ۹۶ .
- ۳۲ - سوزن کاری: ریزدوزی و ایجا نگل و بته به وسیله سوزن روی پارچه (معین).
- ۳۳ - آل عمران: ۹۶ .
- ۳۴ - تهذیب، ج ۱، ص ۴۵۴ .
- ۳۵ - در قاموس المحيط آمده است: الحزوره كَالْقِسُورَةِ، الناقه المقتلة المدللة، و الرابطة الصغیره.
- ۳۶ - النهايه، ج ۱، ص ۳۸۰ .
- ۳۷ - عبارت متن عربی چنین است: و عليه حرزة من الواح رصاص لها اضلاع بين كل ضلع منها والاخر لوح رخام.
- ۳۸ و ۳۹ - آنچه در کروشه آمده از نسخه مرعشی (نک: مقدمه).
- ۴۰ - در نسخه فارسی همان که در متن ثبت نشده آمده؛ در متن عربی آمده. ذکره ابومنصور الطبری [سی] فی کتاب اعلام الوری؛ نام و کنیه صاحب اعلام الوری چنین است: ابوعلی فضل بن حسن طبرسی؛ و عبارت مذکور در ص ۱۵۳ کتاب اعلام الوری آمده است.
- ۴۱ - سید اسماعیل مرندی که تا بدین جا تقریباً از رساله مفرحة الانام نقل کرده خود می‌افزاید: اما خانه حضرت خدیجه و این خانه در همان سمت که مولد حضرت فاطمه - ع - است و در اینجا محرابی است می‌گویند موضع عبادت حضرت رسول الله - ص - بوده است و موضع دیگر که هست، مشهور است حضرت وضو می‌ساخت.
- و اما معلی و «شعبة النور» می‌گویند: قبرستان عظیم است در دامن کوهی واقع است و در او از قبور اهل کرامات بسیار است. اما آنچه مشهور است قبر مادر حضرت فاطمه زهرا - ع - حضرت خدیجه - س -

است زوجه حضرت رسول الله - ص - است. بقعه دارد و قبر در حجره است. در آن بقعه در همان سمتی که قبر جناب ابوطالب در آن سمت واقع است. لکن قبر جناب خدیجه دورتر است. اما قبر ابوطالب عمّ جناب رسول - ص - و والد حضرت امیرالمؤمنین - ع -؛ و آن در مقبره واقع است که چند قبر می‌باشد: یکی قبر عبدالمطلب جد رسول الله - ص - و قبر عبد مناف و قبر هاشم است. در قدیم حصارى نداشت. این اوقات یکی از اهل هند که شیعه بود آمده دور آنها حصارى کشیده و قبرها را تعمیر کرده و محرابی درست نموده است. پایین قبرستان اهل شیعه است و جمعی از مؤمنین مدفون شده‌اند؛ از آن جمله: سید نصرالدین و ملامحمد استرآبادی و شیخ محمد عاملی است و قبر سلطان شهرزاده بیگم دختر خاقان مرحوم فتحعلی شاه در بیرون قبرستان است به اسم. تمام شد.

۴۲ - لقمان: ۳۴.

۴۳ - در متن عربی رساله کلمه «فرزند» نیامده است.

۴۴ - اکنون مساجد سبعمه شامل دو مسجد با نامهای مسجد عمر و مسجد فاطمه - ع - می‌شود که در اینجا از آنها یاد نشده گرچه به احتمال قوی مسجد مباحله همان است که اکنون مسجد فاطمه نامیده می‌شود.

۴۵ - شاید: تسنن.